

کتابخانه و کتابداری در ایران عصر سامانی

فرحناز کهن

چکیده

هدف: بررسی وضعیت ساختمان و تجهیزات، روش‌های گسترش مجموعه، ساماندهی کتاب، و انواع کتابخانه‌ها در عصر سامانی است.

روش/رویکرد پژوهش: روش پژوهش تاریخی است و داده‌های آن با استفاده از مرور متون و منابع کتابخانه‌ای گردآوری و تحلیل شده است.

یافته‌ها: کتابخانه‌ها از مهم‌ترین نهادهای فرهنگی در عصر سامانی به‌شمار می‌آمدند و به انواع کتابخانه‌های سلطنتی، عمومی، مدارس، و مساجد تقسیم می‌شدند. مجموعه آنها بیشتر از طریق وقف، استنساخ، ترجمه، تألیف، و اهدا تأمین می‌شد. در این نهادها که مکانی پژوهشی و آموزشی، از طریق تجمع علما و دانشمندان، به‌شمار می‌آمده است می‌توان کارکردهای اصلی حرفه کتابداری را مشاهده کرد.

نتیجه‌گیری: با توجه به شکوفایی و عظمت کتابخانه‌های مختلف، گسترش مداوم مجموعه‌ها، استفاده فراوان از منابع آنها، داشتن مراجعان دانشمند و عالم، و اداره نظامند این کتابخانه‌ها توسط هیئتی متشکل از مدیر، خازن، و کتابدار، اغراق نیست که شرق‌شناسان با وجود همزمانی این دوران با قرون وسطی در مغرب زمین، آن را "رنسانس فرهنگی" ایران نامیده‌اند.

کلیدواژه‌ها

کتابخانه، کتابداری، سامانیان، ایران، تاریخ

کتابخانه و کتابداری در ایران عصر سامانی

فرحناز کهن^۱

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۸/۰۸

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۱/۰۸

مقدمه

در دوره‌های مختلف تاریخی، کتابخانه به‌عنوان نهادی پرورشی و گاه مذهبی و دینی در خدمت جوامع بشری بوده و سبب رشد و توسعه فرهنگ و شکوفایی دانش شده است. بدین معنا که از ابتدای شکل‌گیری اجتماع و به‌وجود آمدن خط و استفاده از رسانه‌های مختلف برای مکتوب کردن دانش و حافظه بشری، کتابخانه جزء لاینفک جوامع بشری به‌شمار آمده است (مزینانی، ۱۳۷۹). به گفته نیک‌کار (۱۳۷۴)، کتابخانه شاید خالق تمدن نباشد، اما بدون آن تمدنی به‌وجود نمی‌آید (ص ۱۴).

در سده چهارم هجری سرزمین ایران به دو بخش خاوری و باختری تقسیم شده بود. حکومت بخش شرقی را سامانیان (۲۶۱-۳۸۹ ق.) و بخش غربی را آل زیار (۳۱۶-۴۳۴ ق.)، آل بویه (۳۲۰-۴۴۷ ق.)، و امیران محلی برعهده داشتند. سامانیان با احیای فرهنگ و تمدن ایران و با تلفیق باورها و آموزه‌های دین اسلام با فرهنگ و سنن قومی ایران به تکوین هویت تازه‌ای پرداختند (صدری‌نیا، ۱۳۷۸) دولت سامانیان بیش از حکومت‌های دیگر به استقلال و اصالت فرهنگ ایرانی گرایش داشتند و به جرأت می‌توان گفت، در این دوره کوتاه به اندازه تمام دنیای قرون وسطی شاعر، نویسنده، ادیب، سیاستمدار، حکیم، فیلسوف، ریاضی‌دان، منجم، پزشک، و دانشمند پدیدار شد. محمدبن موسی خوارزمی، زکریای رازی، ابوحنیفه دینوری، ابن‌خردادبه، احمدبن عبدالله حاسب مروزی، فضل‌بن حاتم نیریزی، ابونصر محمد فارابی، رودکی، شهید بلخی، دقیقی، طوسی، فردوسی، ناصر

۱. رئیس گروه فراهم‌آوری منابع غیرکتابی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران
kohan_f@yahoo.com

خسرو، ابوریحان بیرونی، و ابوعلی سینا از آن جمله‌اند. در این دوره، ایرانیان در رشته‌های مختلف علوم عقلی از جمله حساب، جبر، مثلثات، نجوم، مکانیک، فیزیک، شیمی، طب، تاریخ، و جغرافیا تبحر یافتند و هریک به گونه‌ای وارد میدان علم و پژوهش شدند و آثار ارزشمندی از خود برجای گذاشتند (صفا، ۱۳۴۷). هنوز ۲۰۰ سال از دوران ابوریحان، ابن سینا، خیام، و خواجه نصیر سپری نشده بود که میراث علمی این دانشمندان ایرانی در پایه‌گذاری دانشگاه‌های پاریس، آکسفورد، کمبریج و جز آن مؤثر واقع شد (رضا، ۱۳۵۳). از تحولات فکری این دوره می‌توان به شکوفایی علم کلام اسلامی، جنبش اسماعیلیه، معتزله، و رونق محفل اخوان‌الصفا اشاره کرد. دست‌پروردگان این عصر با هیچ‌یک از ادوار تاریخ ایران اسلامی قابل قیاس نیستند و در صورت تهیه فهرست کاملی از صاحبان فکر در ایران مشخص می‌شود که بخش اعظم آنها به قرن چهارم و خراسان عهد سامانیان تعلق دارند (صفا، ۱۳۳۱؛ بشیری، ۱۹۹۹). از دوره سامانیان به‌عنوان "رنسانس فرهنگی" یاد می‌شود.

از آنجایی که کتابخانه نماد رشد و گسترش دانش و فرهنگ است و یکی از حیاتی‌ترین عوامل تبادل اندیشه و نهادی اساسی و مؤثر در شکل‌گیری فرهنگ در جوامع بشری به‌شمار می‌آید، در این پژوهش تلاش شده است با پرداختن به کتابخانه‌های عصر سامانی، وضعیت ساختمان و تجهیزات، روش‌های گسترش مجموعه، چگونگی ساماندهی، و نیز انواع کتابخانه‌های این دوره توصیف شود.

درباره کتابخانه‌های عصر سامانی، پژوهش مستقلی انجام نشده است و این مهم، بخشی از مطالب کتاب‌ها و مقالات را که به موضوع کتابخانه‌های ایران پرداخته‌اند دربرمی‌گیرد، از جمله صاحب‌جواهر که (۱۳۱۱) کتابخانه‌ها را از ابتدا تا زمان حیات خود معرفی کرده است. سال‌ها بعد، ایرج افشار در سیر کتاب در ایران (۱۳۴۴) روش‌های کتابداری، چیدن کتاب‌ها، نام‌نویسی آنها، تهیه فهرست و نیز کتابداران کتابخانه‌های قدیمی ایران را تبیین کرده و در مقاله "کتابداری در کتابخانه‌های قدیم ایران" (۱۳۵۳) به سیر تاریخی کتاب و پیدایش کتابخانه‌ها پرداخته است. رجبی (۱۳۸۱) چگونگی پیدایش کتابخانه و تقسیم‌بندی آنها را تبیین کرده است. همایون‌فرخ از ۱۳۴۵ تا ۱۳۴۷ با تدوین دو کتاب و تعدادی مقاله، کتابخانه‌های ایران را از پیش از اسلام تاکنون معرفی کرده است. محمد نیک‌پرور (۱۳۵۱)، حسینی (۱۳۷۹)، و رسولی (۱۳۷۸) کتابخانه‌های خراسان و ماوراءالنهر را توصیف کرده‌اند. راسخ (۱۳۷۹) کتاب و کتابخانه‌های حوزه شیعه را از قرن سوم تا پنجم هجری بررسی کرده است. مرعشی‌نجفی (۱۳۷۴) پژوهشی درباره نظام کتابداری اسلامی در قرن سوم تا هشتم هجری قمری انجام داده است.

ساختمان و تجهیزات کتابخانه‌ها

کتابخانه‌های خراسان، ری، و ماوراءالنهر در قرن چهارم هجری، بزرگ‌ترین گنجینه علمی را داشته‌اند. در هر گوشه و کنار ایران پهناور آن روز، صدها کتابخانه عمومی و خصوصی وجود داشته است که مورد استفاده صدها دانشور اهل کمال و دانش قرار می‌گرفت (سامی، ۱۳۵۲). در این کتابخانه‌ها، برخلاف کتابخانه‌های غرب، اثری از زنجیر کردن کتاب‌ها نبود و حتی کتاب را به مراجعه‌کنندگان امانت می‌دادند. ساختمان کتابخانه‌ها دارای حجره‌های متعدد بود و کتاب‌ها را برحسب علوم مختلف در حجره‌ها بر روی هم در طاقچه‌ها یا صندوق‌ها قرار می‌دادند و فهرست و سیاهه آنها بر سر هر حجره الصاق می‌شد (عازم، ۱۳۷۶). در آغاز، کتابخانه‌ها مستقل نبودند و بخشی از مراکز و مؤسسات دیگر مانند مساجد، مدارس، و مراکز علمی به‌شمار می‌آمدند. با افزایش کتابخانه‌ها، ساختمان‌ها نیز تغییر و تحول یافت و مؤسسان به شیوه‌های طراحی و معماری کتابخانه‌ها توجه خاصی کردند (سردار، ۱۳۶۹).

مجموعه‌سازی کتابخانه‌ها

وقف، یکی از راه‌های گردآوری کتاب و توسعه کتابخانه‌ها در عصر سامانی بوده است. وقف از عقود است که ثمره آن حبس اصل مال و اختصاص منفعت آن برای موقوف است (محقق حلّی، ۱۴۰۸ق.). در ایران عصر سامانی، کتاب از موقوفاتی بود که به مدارس و خانقاه‌ها و حلقه‌های درس در مساجد داده می‌شد (ساعاتی، ۱۳۷۴). قدیمی‌ترین کتابخانه وقفی در عصر سامانیان، کتابخانه مسجد جامع نیشابور است و یاقوت حموی (۱۹۳۶ - ۱۹۳۸) گزارشی از آن کتابخانه ارائه کرده است (صص ۲۲۵-۲۲۴). تجارت کتاب نیز عاملی در گسترش مجموعه کتابخانه‌ها بوده است. بسیاری از عالمان و بزرگان جهان اسلام به شغل تجارت کتاب اشتغال داشتند. تاجران کتاب‌ها را از سرزمینی به سرزمین دیگر انتقال می‌دادند و با راه یافتن این کتاب‌ها به کتابخانه‌ها، مجموعه آنها گسترش می‌یافت؛ ابن‌ندیم صاحب الفهرست را می‌توان از جمله این تاجران به‌شمار آورد (ابن‌الندیم، ۱۳۴۶). کار نسخه‌برداری از روی کتاب که حکم تکثیر کتاب را داشت در دوره سامانیان بسیار رایج بوده و به افزایش موجودی کتابخانه‌ها منجر شده است. بسیاری از عالمان و دانشمندان اسلامی برای نسخه‌برداری از کتابخانه شخصی خود فردی را استخدام می‌کردند. به گفته سبکی (۱۹۶۴-۱۹۷۴)، در خانه ابونضر محمدبن مسعود عیاشی (۳۲۰-۳۳۰ق.)، جمعی به استنساخ، برخی به مقابله، و گروهی به قرائت یا تعلیق^۱ اشتغال داشتند. ترجمه و تألیف کتاب در دوران نهضت ترجمه نیز سبب گسترش مجموعه می‌شده است. ابن‌ندیم در

۱. در لغت، به‌معنای درآویختن است؛ چیزی در زیر کتاب یا نوشته‌ای نوشتن (فرهنگ فارسی معین)، یادداشت کردن (لغتنامه دهخدا) است.

کتاب *الفهرست* نام بسیاری از مترجمان و مؤلفان و عنوان آثارشان را آورده است. اهدای کتاب توسط دانشمندان و علما به امیران، وزیران، و علمای دیگر که کتابخانه داشتند نیز از راه‌های افزایش موجودی منابع کتابخانه بوده است (العش، ۱۳۷۲). مصادره کتاب‌ها به هنگام تسلط حاکمان و امیران بر یک شهر نیز از دلایل گسترش کتاب‌های کتابخانه بوده است. البته در عصر سامانیان گزارشی از مصادره کتاب یافت نشده است، اما در زمان انقراض آنان، بخشی از میراث مکتوب به غزنه، تختگاه غزنویان منتقل شد (یاقوت، ۳۸-۱۹۳۶، ج ۶، ص ۲۴۲۸).

ساماندهی امور کتابخانه‌ها

برای تبیین وضعیت ساماندهی کتابخانه‌های عصر سامانی لازم است به فهرست‌نویسی، طبقه‌بندی، امانت، و شیوه اداره این کتابخانه‌ها پرداخته شود:

فهرست‌نویسی: کتابداران کتابخانه‌ها اهتمام فراوانی به فهرست‌نویسی کتابخانه‌ها داشته و برای کتابخانه‌های خویش فهرست‌های مختلفی تهیه می‌کرده‌اند. توصیف ابن سینا از کتابخانه نوح‌ابن منصور سامانی (۳۶۶-۳۸۷ق.) دلیلی بر انجام این فرایند است: "پس بر فهرست کتاب‌های اوایل نگریستم و هرچه از آنها را که بدان نیاز داشتم خواستم و کتاب‌هایی یافتم که نام آنها به بسیاری از مردم نرسیده بود و من هم پیش از آن ندیده بودم و پس از آن هم ندیدم" (نفیسی، ۱۳۸۳). همچنین ابوریحان بیرونی، فهرست شصت‌برگی کتاب‌های وقفی جامع مرو را مشاهده کرده است (یاقوت حموی، ۱۹۳۸).

طبقه‌بندی: کتابداران، کتاب‌های موجود در این کتابخانه‌ها را براساس تقسیم‌بندی‌های دانشمندان اسلامی از علوم و فنون مرتب و طبقه‌بندی می‌کردند. آنان کتاب‌های مربوط به هر دسته از علوم و فنون را در قفسه و ردیف جداگانه‌ای قرار می‌دادند. چیدمان کتاب‌ها در قفسه‌ها به صورت افقی بود و کتاب‌های با قطع بزرگ در زیر و کتاب‌های قطع کوچک راروی آنها می‌گذاشتند و عنوان کتاب، نام مؤلف، شماره کتاب و دیگر مشخصات آن را بر قسمت برش خارجی یا فوقانی و یا تحتانی کتاب می‌نوشتند تا به راحتی بتوانند اسامی کتاب‌ها را بخوانند و آنها را در اختیار مراجعان قرار دهند (افشار، ۱۳۵۳). ابن سینا در این باره می‌نویسد: "... پس مرا دستور داد و به سرایی اندرون شدم که خانه‌ها و اتاق‌های بسیار داشت و در هر خانه، صندوق‌های بزرگ و کوچک کتاب بود که روی هم انباشته بود. در یک خانه کتاب‌های تازی، شعر، در دیگری فقه و بدین گونه در هر خانه‌ای کتاب‌های دانش" (نفیسی، ۱۳۸۳). کتاب‌های مربوط به هر موضوع را در یک غرفه و یا سالن و یا در یک قفسه و یا صندوقچه قرار می‌دادند. این شیوه در برخی کتابخانه‌های اصفهان، نیشابور،

بغداد، مصر، با اندکی تفاوت، رواج داشته است (ابن‌الندیم، ۱۳۴۶).
امانت: در تاریخ تمدن اسلامی، امانت کتاب کاری پسندیده و رایج بوده است. بهای زیاد کتاب‌ها متقاضیان را مجبور می‌کرد تا برای نسخه‌برداری از کتاب‌ها، آنها را به امانت بگیرند. وقفنامه‌هایی نیز وجود دارد که در همه یا بخشی از مطالب آنها به شرایط امانت کتاب اشاره شده است (العش، ۱۳۷۲). در بسیاری موارد، مقررات امانت در صفحات اول، دوم، یا آخر کتاب موقوفه توسط واقف درج شده و کتابدار (امین) را موظف به انجام نظر واقف می‌کرده است. اگر واقف محدودیت و شرایطی برای استفاده‌کنندگان قائل نبود و آن را وقف عام کرده بود، کتابدار می‌توانست کتاب را براساس آیین‌نامه داخلی کتابخانه، یا تشخیص خود، به استفاده‌کننده امانت دهد (بهروزی، ۱۳۴۶).

اداره کتابخانه‌ها

با مطالعه متون مربوط مشخص شد که تنها اشاره مربوط به اداره کتابخانه، روایت ابن‌سینا از کتابخانه نوح‌ابن منصور است که گفته است خارج کردن کتاب از کتابخانه نوح‌ابن منصور ممنوع بوده و با وجود تقرب ابن‌سینا به امیر سامانی وی مجاز نبوده است کتاب‌ها را برای استنساخ از کتابخانه خارج کند و کاتبان را برای استنساخ به کتابخانه می‌برده است (شبلی نعمانی، ۱۳۶۳).

به گفته مرعشی نجفی (۱۳۷۴) درباره نظام اداری و هیأتی که سرپرستی کتابخانه را در آن زمان برعهده داشتند، مطالب فراوانی در متون تاریخی و در وقفنامه‌ها موجود است. کتابخانه‌ها در سرزمین‌های اسلامی از جمله قلمرو سامانیان معمولاً وقف بوده است و از سوی واقفان و مؤسسان کتابخانه شرایط و مقررات خاصی برای نحوه اداره کتابخانه‌های وقف‌شده تعیین می‌شد که باید تمامی آنها را هیأت اداری کتابخانه‌ها رعایت می‌کردند. ساختار این هیأت عبارت بود از:

مدیر: در متون و وقفنامه‌ها، مدیر و رئیس کتابخانه با اصطلاحاتی چون صاحب، مشرف اعلی، وکیل، امین، خازن، حافظ، و متولی آمده است. مدیران از میان شخصیت‌های مهم علمی و ادبی و اجتماعی برگزیده می‌شدند (کسایی، ۱۳۵۸). وظایف مدیر کتابخانه شامل وظایف عالی، وظایف فنی و وظایف فرهنگی بود. شبلی (۱۳۷۰) وظایف مدیر را شامل اداره و سرپرستی موقوفه‌ها و منافع غیرفنی کتابخانه‌ها، انتخاب و عزل کارکنان و مراقبت بر اعمال آنان، تأمین بودجه، پرداخت حقوق کارکنان، حفظ ساختمان و مرمت آن، توسعه فیزیکی و محتوایی کتابخانه در صورت لزوم، و ارائه گزارش به متولی یا ناظر وقف توصیف کرده است (ص ۳۴۵). به گفته فقیهی (۱۳۶۵) این وظایف شامل حفظ

و نگهداری کتاب و نسخ موجود؛ جلوگیری از سرایت رطوبت، گرد و غبار، موریانه و جز آن؛ ترمیم و اصلاح نسخه‌ها و نوسازی جلد‌ها؛ فهرست کردن کتاب‌ها؛ و طبقه‌بندی و تنظیم کتاب‌ها بوده است. در راستای انجام امور فرهنگی، امین کتابخانه موظف بوده است به یاری مطالعه‌کنندگان بشتابد؛ آنان را از محتویات کتاب‌ها آگاه سازد؛ در انتخاب و خرید کتاب به ناظر و متولی کمک کند؛ مترجمان برجسته را برای ترجمه استخدام کند؛ از استنساخ‌کنندگان برای نسخه‌برداری کتاب‌ها دعوت کند؛ و از بهترین صحافان، تجلیدکاران، و تذهیب‌کاران استفاده نماید. همچنین او از عالمان و دانشمندان دعوت می‌کرد تا در کتابخانه به تعلیم بپردازند و در رشد و شکوفایی علم بکوشند (جوهری، ۱۹۹۲).

خازن: دومین نفر از هیأت سه‌گانه نظام اداری کتابخانه‌ها خازن نام داشت که معاون رئیس کتابخانه بوده است. او باید فقیه، محدث، ادیب، صاحب ذکاوت، مدیر، مدبر، و آشنا به امور کتابداری و عالم به محتویات کتابخانه می‌بود (سخاوی، ۱۳۵۳ ق). از وظایف او نظارت بر فهرست‌نویسی و طبقه‌بندی کتاب‌ها و حفاظت از آنها در مقابل آفات کتاب بوده است (سبکی، ۱۹۷۸). در برخی متون آمده است که خازن، وظیفه مقابله نسخ و تصحیح آنها را برعهده داشته است (مقدسی، ۱۳۶۱).

کتابدار: کتابدار، نفر سوم در نظام اداری کتابخانه است و با اصطلاحاتی چون مشرف، مساعد، و یا خازن‌الکتب از آنها یاد شده است. آوردن کتاب از قفسه، بازگرداندن کتاب‌ها به قفسه پس از استفاده، راهنمایی قاریان و مراجعان در دستیابی به کتاب مورد نیازشان و نیز کمک به معاون کتابخانه از وظایف او بوده است (الکروی، ۱۹۸۷).

نقش و کارکرد کتابخانه‌ها

کتابخانه‌های خراسان و ماوراءالنهر، سمرقند، و نیشابور در دوره سامانی نقش و کارکردی فراتر از نمونه‌های امروز داشتند. به‌طور مثال، حضور عالمان و دانشمندان و برگزاری جلسات مناظره و مباحثه برای طالبان علم و دانش می‌تواند تأکیدی بر نقش آموزشی این کتابخانه‌ها باشد. این نهادها با فراهم کردن ابزار پژوهش و زمینه‌سازی مطالعات عمومی به رشد فرهنگی و علمی جامعه اسلامی کمک می‌کردند. کتابخانه‌ها ابزاری برای تبلیغ و تعلیم عقاید مذهبی بودند؛ معمولاً کتاب‌های هر کتابخانه مختص به فرقه‌ای خاص بود و عقاید آن فرقه را تبلیغ می‌کرد (العش، ۱۳۷۲) و افزون بر کتاب، کتابخانه‌ها همچون موزه‌ها، اشیای نفیس و گران‌بها از قبیل کاغذهای مرغوب، ابزار خطاطی، نقشه، انواع خطوط خوشنویسی و مانند آنها را در خود جای داده بودند (فقیهی، ۱۳۶۵).

انواع کتابخانه‌ها

به‌طور کلی، وجود ۵ نوع کتابخانه را در این دوره می‌توان شناسایی کرد:

۱. کتابخانه‌های مساجد

مساجد در صدر اسلام، فقط محل عبادت و نیایش نبود، بلکه پایگاه و مرکزی برای اداره امور امت و دولت اسلامی، حل و فصل امور اجتماعی و سیاسی مسلمانان، و جایگاه علم و تشکیل حلقه‌های درس و تعلیم و تربیت بود. مساجد در آغاز حاوی مصاحف و علوم قرآنی بود، اما همراه با رشد علوم اسلامی و تألیف آثاری توسط عالمان اسلام، تأسیس کتابخانه‌ها در مساجد رسمیت یافت. مانند کتابخانه‌های عمومی، استفاده از این کتابخانه‌ها برای همگان آزاد بود (الکروی، ۱۹۸۷). کتاب‌ها در کتابخانه هر مسجد مربوط به حلقه درسی بود که در آن تدریس می‌شد. از جمله آنها می‌توان به کتابخانه مساجد جامع ماوراءالنهر (هرات، بلخ، سیستان، بخارا، خجند، فرغانه، و ربض نیشابور)، کتابخانه خراسان و نیشابور و نیز کتابخانه مسجد عقیل نیشابور، مدرسه ابواسحاق اسفراینی نیشابوری، و مسجد مطرز نیشابور اشاره کرد. قدیمی‌ترین کتابخانه وقفی مربوط به مسجد جامع نیشابور است. در این کتابخانه، احمدبن عبدالملک ابوصالح مؤذن نیشابوری (۳۸۸-۴۷۰ ق.) کار می‌کرد که مسئول حفظ و نگهداری کتاب‌های وقفی حدیث گردآمده از استادان بزرگ و علمای حدیث بود. وی موقوفات محدثان را از قبیل مرکب و کاغذ و غیره در اختیار داشت و آنها را در اختیار مراجعان قرار می‌داد (یاقوت حموی، ۱۹۳۸).

۲. کتابخانه‌های مدارس دینی

با پیدایش مدارس و دانشگاه‌ها در سرزمین‌های اسلامی از قرن سوم هجری، کتابخانه‌های مدرسه‌ای و دانشگاهی ایجاد شدند. به گفته شبلی (۱۳۷۰) در کتاب تاریخ آموزش در اسلام: "بسختی می‌توان تک مدرسه‌ای بی‌مجموعه کتابخانه یافت" (ص ۱۵۸). در آن زمان، کتابخانه‌های مدرسه‌ای فراوانی در بخارا سمرقند، نیشابور، بوزجان، بست، مرورود، و غزنه تأسیس شد و اغلب هر مدرسه به یک فرقه مذهبی خاص اختصاص داشت (مقدسی، ۱۳۶۱).

معروف (۱۳۷۹) درباره کتابخانه‌های مدارس مشرق زمین می‌نویسد: "چون در مدارس، کتابخانه‌ها از اموری بودند که در درس و بحث از آنها استفاده می‌شده، مؤسسان مدارس کتب بسیاری را وقف مدرسه‌ها می‌کردند. این کتابخانه‌ها در زمینه‌های مختلف علوم و فنون بودند و برای آنها ساختمان‌های مخصوص و اتاق‌های متعدد برپا می‌کردند و خازنان و مشرفان و ناظران را بر آنها گماشتند" (ص ۲۲۰). از مشهورترین مدارس دارای کتابخانه در قلمرو سامانیان،

مدرسه اسماعیل سامانی (حسینی، ۱۳۷۹)، مدرسه ابواسحاق ابراهیم بن محمود قطان نیشابوری (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵)، مدرسه بیهقی (بیهقی، ۱۳۴۸)، مدرسه ابو حفص فقیه و مدرسه دارالسنه (نشاط و حری، ۱۳۸۳ به نقل از رجبی ۱۳۸۱)، مدرسه صابونی نیشابور (همایونفرخ، ۱۳۴۶)، مدرسه ابن حبان (کسای، ۱۳۷۴)، مدرسه شافعیان نیشابور (ابن قاضی شهبه، ۱۹۷۸)، مدرسه طابران توس (محتشم، ۱۳۷۸)، مدرسه خواجه امیرک (رجبی، ۱۳۸۱)، مدرسه حسان قرشی (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵)، مدرسه محمد الحمشادی (معروف، ۱۳۷۹) است.

۳. کتابخانه‌های شخصی

نخستین کتابخانه‌ها در ایران کتابخانه‌های شخصی بود. کتاب به صورت دست‌نوشته تولید می‌شد و به همین سبب بهای آن گران بود. فقط ثروتمندان یا علاقه‌مندان به علوم و معارف و صاحبان فضل و کمال قادر به تهیه کتاب بودند (مصاحب، ۱۳۴۵). کتابخانه‌های سلطنتی، کتابخانه‌های وزیران و دولتمردان، عالمان، ادیبان، و دانشمندان را می‌توان از انواع کتابخانه‌های شخصی به‌شمار آورد:

الف. کتابخانه سلطنتی

شاهان، در محل سکونت یا در کنار آن کتابخانه تأسیس می‌کردند. استفاده‌کنندگان از این کتابخانه‌ها، خاندان آنها و وزیران و در مواردی درباریان، دانشمندان، و عالمان بودند. کتابداران کتابخانه‌های سلطنتی از میان دانشمندان، نویسندگان، و فلاسفه انتخاب می‌شدند (دال، ۱۳۷۲). کتابخانه نوح ابن منصور در بخارا تنها کتابخانه‌ای است که در منابع به آن اشاره شده و دانشمند نامداری چون ابن سینا از خازنان آن بوده است (همایونفرخ، ۱۳۴۷).

ب. کتابخانه وزیران و دولتمردان

وزیران دانشمند، کاردان، و باتدبیر ایرانی در طول وزارت خود، علاوه بر پرداختن به امور دیوانی و کشوری، در راه ترویج دانش و ادب و هنر می‌کوشیدند و کتابخانه‌های باشکوهی برای خود فراهم کردند که از میان آنها می‌توان به کتابخانه خاندان بلعمی و کتابخانه ابوالوفای همدانی (همایونفرخ، ۱۳۴۵) اشاره کرد.

ج. کتابخانه عالمان، ادیبان، و دانشمندان

تاریخ دقیق نخستین کتابخانه عالمان و دانشمندان ایرانی مشخص نیست، اما از آغاز قرن سوم هجری به بعد، تعدادی از آنان دارای مجموعه‌ها و کتابخانه‌های شخصی معتبر بوده‌اند. از کتابخانه دانشمندان می‌توان به کتابخانه ابونصر فارابی (همایونفرخ، ۱۳۴۴)، کتابخانه ابن خزیمه (ناجی، ۱۳۸۰)، کتابخانه عیاشی سمرقندی (دوانی، ۱۳۶۶)، و کتابخانه ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن احمد صفار (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵) اشاره کرد.

۴. کتابخانه‌های اختصاصی

کتابخانه‌های اختصاصی در کنار مراکز خاصی چون رصدخانه‌ها، بیمارستان‌ها، خانقاه‌ها، زیارتگاه‌ها، و مقبره‌ها تأسیس می‌شده‌اند. کتابخانه‌های خانقاه ابن حبان (کسای، ۱۳۷۴) و ابوسعید فضل‌الله بن ابی‌الخیر مهنه‌ای (همایون‌فرخ، ۱۳۴۶) از جمله آنها هستند.

۵. کتابخانه‌های عمومی

همان‌طور که گفته شد، کتابخانه‌های مساجد از اوایل قرون اسلامی، تا پیدایش کتابخانه‌های عمومی جدید، نقش کتابخانه‌های عمومی را ایفا می‌کردند. دارالعلم‌ها را نیز که اساس آنها بر کتابخانه استوار بود ولی همانند بیت‌الحکمه در آنها، فعالیت‌های پژوهشی و علمی نیز انجام می‌شد (العش، ۱۳۷۲) می‌توان جزو کتابخانه‌های عمومی به‌شمار آورد. از وقف‌نامه‌های موجود در کتابخانه آستان قدس نیز چنین برمی‌آید که این کتابخانه عمومی از اوایل قرن چهارم هجری برپا بوده است (دانش‌پژوه، ۱۳۵۵).

نتیجه‌گیری

مطالعه متون نشان می‌دهد، هم‌زمان با قرون وسطی که به زنجیر درآوردن کتاب‌ها در کتابخانه‌های مغرب زمین دسترسی به آثار را مشکل و گاه غیرممکن می‌ساخته است، می‌توان در ایران دوره سامانی از عصر شکوفایی فرهنگ و نهادهای فرهنگی سخن گفت و کتابخانه‌های زنده و پویا را با رفت‌وآمد بسیار مراجعان خاص این نهادها، یعنی عالمان و دانشمندان مجسم کرد. پویایی این کتابخانه‌ها نه فقط به داشتن این مراجعان ارزشمند و برگزاری جلسه‌های بحث و گفتگو و آموزش طالبان علم بلکه به وجود مجموعه‌های ارزشمند آنهاست که به‌ویژه از طریق نسخه‌برداری و نیز وقف کتاب و کتابخانه توسط این عالمان به‌طور مداوم گسترش می‌یافت. برپایه مطالعات، برای استفاده از این مجموعه‌های ارزشمند هیچ‌گونه منعی وجود نداشته است، بنابراین اغراق نیست که این دوران را "رنسانس فرهنگی" نامیده‌اند.

همچنین مطالعه منابع از شیوه‌های مدیریتی مدون در اداره کتابخانه‌ها، شامل هیأتی متشکل از رئیس، معاون، و کتابدار با تقسیم وظایف میان آنها خبر می‌دهد. نگاهی به وظایف این سه، شیوه‌های امروز اداره کتابخانه‌ها را تداعی می‌کند، مانند نقش مدیر که بر انجام امور کتابخانه نظارت دارد؛ شرط داشتن دانش فقهی، عمومی، و کتابداری برای خازن (معاون) کتابخانه؛ و در نهایت، فردی با عنوان کتابدار که براساس وظایف اختصاص یافته نقش کمک کتابدار امروزی را دارد.

در این دوره، از میان انواع کتابخانه‌ها، کتابخانه‌های مساجد و کتابخانه‌های مدارس دینی به سبب تعداد زیاد این مدارس و نیز تدریس علوم مختلف رشد قابل توجهی داشته است. تأسیس کتابخانه‌های اختصاصی در کنار بیمارستان‌ها و زیارتگاه‌ها و جز آن نیز قابل توجه است. در میان نخستین کتابخانه‌های این دوره یعنی کتابخانه‌های شخصی، کتابخانه سلطنتی نوح‌ابن منصور سامانی با داشتن دانشمند کتابداری چون ابن سینا خودنمایی می‌کند. می‌توان گفت با وجود اینکه انگیزه‌های سیاسی نقشی مهم و تعیین‌کننده در رشد و رونق کتابخانه‌های دوره سامانی داشته است، نمی‌توان از علائق شخصی وزیران سامانی که خود کتاب‌دوست و هنرمند و نویسنده و نیز صاحب کتابخانه‌های شخصی برجسته‌ای بوده‌اند غافل بود.

مآخذ

- ابن قاضی شهبه، ابوبکر بن احمد (۱۹۷۸). *طبقات الشافعیه*. (حافظ عبدالعلیم خان، بتصحیح و علق علیه و رتب فهارسه). حیدرآباد: دایره المعارف العثمانیه.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۴۶). *الفهرست*. (رضا تجدد، به کوشش). [تهران]: کتابخانه ابن سینا.
- افشار، ایرج (۱۳۴۴). *سیر کتاب در ایران*. تهران: امیرکبیر.
- افشار، ایرج (۱۳۵۳). کتابداری در کتابخانه‌های قدیم ایران. *بررسی‌های تاریخی*، (۵۱)، ۱۵۱-۱۷۰.
- بهروزی، علی نقی (۱۳۴۶). *تاریخچه کتابخانه‌ها و مطبوعات و چاپخانه‌های فارس*. [شیراز]: انجمن کتابخانه‌های عمومی شیراز.
- بیهقی، علی بن زید (۱۳۴۸). *تاریخ بیهق*. (احمد بهمنیار، مصحح و تعلیق نویس؛ محمد بن عبدالوهاب قزوینی، مقدمه نویس). [تهران]: کتابفروشی فروغی.
- جواهری، خیال محمد مهدی (۱۹۹۲). *من تاریخ المکتبات فی البلدان العربیه*. دمشق: [بی‌نا].
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (۱۳۷۵). *تاریخ نیشابور*. (محمد بن حسین خلیفه نیشابوری، مترجم؛ محمدرضا شفیعی کدکنی، به کوشش). تهران: آگه.
- حسینی، محسن (۱۳۷۹). کتابخانه‌های خراسان و ماورالنهر قبل از هجوم مغول. در محمد فرح‌زاد (ویراستار)، *مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی کتاب و کتابخانه در تمدن اسلامی*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی. دال، سوند (۱۳۷۲). *تاریخ کتاب: از کهن‌ترین دوران تا عصر حاضر*. (محمد علی خاکساری، مترجم). مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- دانش‌پژوه، محمد تقی (۱۳۵۵). *فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم*. قم: آستانه مقدسه.
- دوانی، علی (۱۳۶۶). *مفاخر اسلام*. تهران: امیرکبیر.
- راسخ، علی احمد (۱۳۷۹). کتاب و کتابخانه در حوزه‌های شیعی از قرن سوم تا پایان پنجم هجری. در

- محمد فرحزاد (ویراستار)، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی کتاب و کتابخانه در تمدن اسلام. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- رجبی، محمدحسن (۱۳۸۱). کتابخانه در ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- رسولی، حجت (۱۳۸۷). منطقه ماوراءالنهر و خراسان پیش‌تاز جنبش کتاب و کتابخانه در ایران و آسیای مرکزی. پژوهشنامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، (۵۸)، ۵۳-۶۴.
- رضا، فضل‌الله (۱۳۵۳). نکاتی چند درباره مقام ابوریحان بیرونی. در مرکز مطالعات و هماهنگی فرهنگی (گردآورنده)، مجموعه مقالات یادنامه بیرونی. تهران: شورای عالی فرهنگ و هنر.
- ساعاتی، یحیی‌محمد (۱۳۷۴). وقف و ساختار کتابخانه‌های اسلامی: کاوشی در میراث فرهنگی اسلام. (احمد امیری شادمهری، مترجم). مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- سامی، علی (۱۳۵۲). سیر دانش و فرهنگ ایران در ادوار مختلفه بعد از اسلام: مساجد بزرگ نخستین مراکز و مجامع درسی در سده‌های نخستین اسلام. هنر و مردم، ۱۱ (۱۲۶)، ۳۵-۴۹.
- سبکی، عبدالوهاب بن علی (۱۹۷۸). معید النعم و معید النعم. قاهره: مکتبه الکلیات الازهری.
- سبکی، عبدالوهاب بن علی (۱۹۷۶). طبقات الشافعیه الکبری. (محمود محمد طناحی و عبدالفتاح محمد حلو، به کوشش). قاهره: دار احیاء الکتب العربیه.
- سناوی، محمد بن عبدالرحمن (۱۳۵۳ق). الضوء اللامع. قاهره.
- سردار، ضیاء‌الدین (۱۳۶۹). نقش کتاب در گسترش تمدن اسلامی. (مهیار علوی مقدم، مترجم). مشکوه، (۲۹)، ۱۱۷-۱۳۰.
- شبلی، احمد (۱۳۷۰). تاریخ آموزش در اسلام. (محمدحسین ساکت، مترجم). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- شبلی نعمانی، محمد (۱۳۶۳). شعرالعجم یا تاریخ شعرا و ادبیات ایران. (سیدمحمدتقی فخر داعی گیلانی، مترجم). تهران: دنیای کتاب.
- صاحب جواهر، عبدالعزیز (۱۳۱۱). کتابخانه‌های ایران: از ماقبل از اسلام تا عصر حاضر در داخله و خارجه و ذکر برخی از تفاسیر کتب خطی و نسخ نایاب. [تهران]: فردوسی (چاپخانه).
- صدری نیا، باقر (۱۳۷۸). راز و رمز شکوفایی دانش و اندیشه در عصر سامانی: نامه آل سامان. در علی‌اصغر شعردوست و قهرمان سلیمانی (ویراستاران)، مجموعه مقالات مجمع علمی تمدن، تاریخ و فرهنگ سامانیان. تهران: مجمع علمی تمدن.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۴۷). تاریخ علوم و ادبیات ایرانی. تهران: ابن‌سینا.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۳۲). تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلام تا اواسط قرن پنجم. تهران: دانشگاه تهران.
- عازم، پرویز (۱۳۷۶). ساختمان و تجهیزات کتابخانه. تهران: هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور.
- عش، یوسف (۱۳۷۲). کتابخانه‌های عمومی و نیمه عمومی عربی در قرون وسطی (بین‌النهرین، سوریه و

- مصر). (اسدالله علوی، مترجم). مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی. فقیهی، علی اصغر (۱۳۶۵). *آل‌بویه: نخستین سلسله قدرتمند شیعه با نمونه‌ای از زندگی جامعه اسلامی در قرن‌های چهارم و پنجم*. [تهران]: صبا.
- الکروی، ابراهیم سلیمان (۱۹۸۷م). *المرجع فی الحضاره العربیه الاسلامیه*. عبدالنواب شرف‌الدین. کویت: ذات السلاسل.
- کسای، نوراله (۱۳۷۴). *ابن حبان بستی تحصیلات سفرها آثار علمی و خدمات آموزشی. تحقیقات اسلامی*، ۱۰ (۱-۲)، ۶۹-۸۲.
- کسای، نوراله (۱۳۵۸). *مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن*. تهران: دانشگاه تهران.
- محتشم، حسن (۱۳۷۸). *نقش سامانیان در احیای زبان فارسی*. در علی اصغر شعر دوست و قهرمان سلیمانی (به کوشش)، *نامه آل سامان: مجموعه مقالات مجمع علمی تمدن، تاریخ و فرهنگ سامانیان*. تهران: مجمع علمی تمدن، تاریخ و فرهنگ سامانیان.
- محقق حلّی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸). *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام*، (عبدالحسین محمدعلی بقال، محقق و مصحح). قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- مرعشی نجفی، محمود (۱۳۷۴). *نظام کتابداری اسلامی در سده سوم تا هشتم هجری قمری*. [مشهد]: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- مزیانی، علی (۱۳۷۹). *کتابخانه و کتابداری*. تهران: انتشارات سمت.
- مصاحب، غلامحسین (۱۳۴۵). *کتابخانه*. در *دایره‌المعارف مصاحب فارسی*. تهران: فرانکلین.
- معروف، ناجی (۱۳۷۹). *مدارس علمیه قبل از نظامیه*. (جمال‌الدین شیرازیان، مترجم). در مهدی محقق (به اهتمام)، *یادنامه ادیب نیشابوری: زندگانی استاد و مجموعه مقالات در مباحث علمی و ادبی*. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- مقدسی، محمد بن احمد (۱۳۶۱). *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم* (علی نقی منزوی، مترجم). تهران: شرکت مولفان و مترجمان ایران.
- ناجی، محمدرضا (۱۳۸۰). *سامانیان: دوره شکوفایی فرهنگ ایرانی اسلامی*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- نشاط، نرگس؛ حری، عباس (۱۳۸۳). *کتابخانه آموزشی در مدرسه کتابخانه مدار*. تهران: شبکه کتاب.
- نفیسی، سعید (۱۳۸۳). *زندگی و کار و اندیشه و روزگار پورسینا*. تهران: کتابخانه دانش.
- نیک‌پور، محمد (۱۳۵۱). *کتابخانه‌های استان خراسان از آغاز اسلام تا عصر حاضر: شامل کتابخانه‌های عمومی، خصوصی، آموزشی، شخصی*. مشهد: اداره کل فرهنگ و هنر خراسان.
- نیک‌کار، ملیحه (۱۳۷۴). *آشنایی با کتابخانه و منابع آن*. شیراز: انتشارات راهگشا.
- همایونفرخ، رکن‌الدین (۱۳۴۴). *تاریخچه کتابخانه‌های ایران و کتابخانه‌های عمومی*. تهران: سازمان

کتابخانه‌های عمومی شهرداری.

- همایونفرخ، رکن‌الدین (۱۳۴۵). تاریخچه کتاب و کتابخانه در ایران. هنر و مردم، ۵۰ (۴-۷)، ۱۸-۲۱.
- همایونفرخ، رکن‌الدین (۱۳۴۵). تاریخچه کتاب و کتابخانه در ایران. هنر و مردم، ۵۲ (۴-۷)، ۱۰-۱۵.
- همایونفرخ، رکن‌الدین (۱۳۴۵-۱۳۴۶). تاریخچه کتاب و کتابخانه در ایران. هنر و مردم، ۵۳ و ۵۴ (۴-۷)، ۱۵-۲۰.
- همایونفرخ، رکن‌الدین (۱۳۴۶). تاریخچه کتاب و کتابخانه در ایران. هنر و مردم، ۵۶ و ۵۷ (۴-۷)، ۳۶-۴۹.
- همایونفرخ، رکن‌الدین (۱۳۴۷). کتاب و کتابخانه‌های شاهنشاهی ایران. [تهران]: وزارت فرهنگ و هنر.
- یاقوت حموی؛ یاقوت‌بن عبدالله (۱۹۳۸)، معجم‌الادب. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- Bashiri, I. (1999). *Samanid achievements*. Dushanbe: Erfan

استناد به این مقاله:

کهن، فرحناز (۱۳۹۴). کتابخانه و کتابداری در ایران عصر سامانی. *مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات*، ۲۶ (۴)، ۱۰۹-۱۲۲.